

۹- واو قسم

اختصاص به اسم ظاهر دارد. **وَالعَصْرِ**

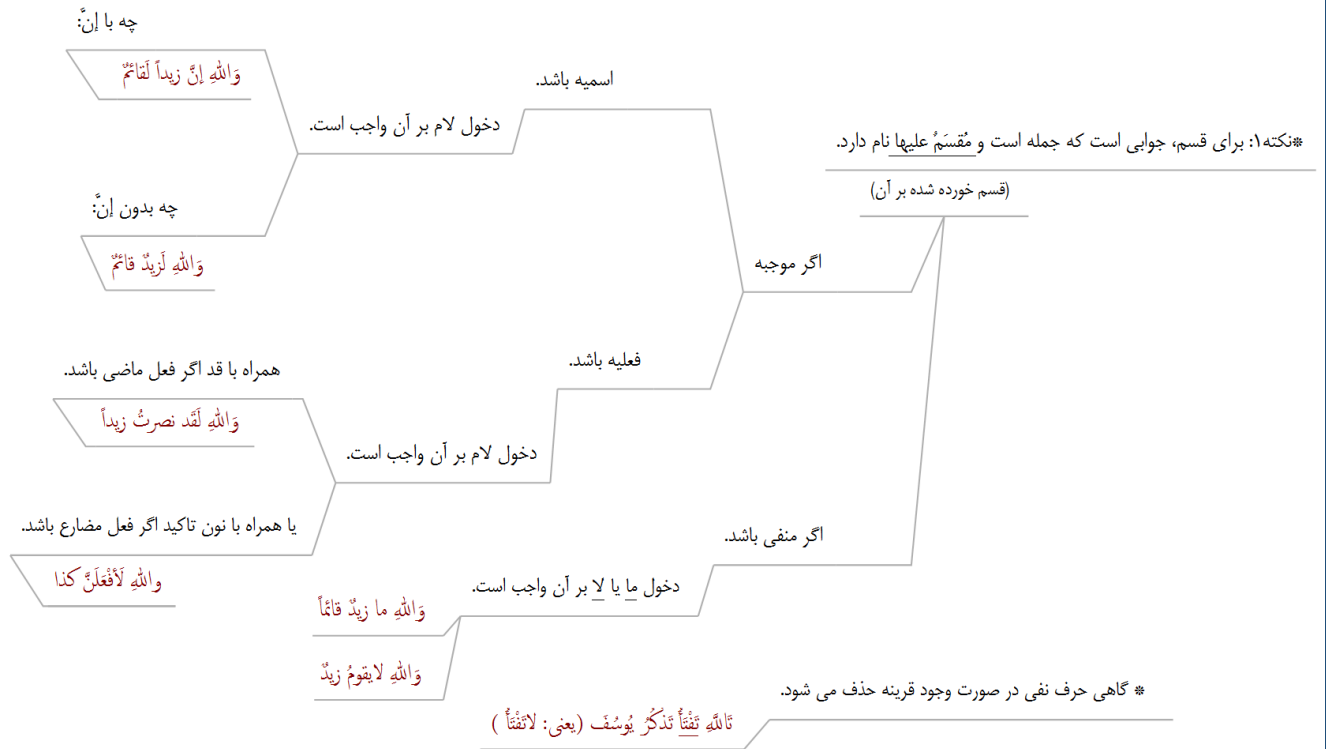
۱۰- تاء قسم

فقط بر الله داخل می شود.

۱۱- باء قسم

هم بر اسم ظاهر و هم بر ضمیر وارد می شود. **بِاللهِ**

بِكَ



نکته ۲: گاهی جواب قسم در صورت مقدم شدن چیزی که بر آن دلالت کند، حذف می شود.

زَيْدٌ قَائِمٌ وَاللّٰهِ

نکته ۳: گاهی قسم میان جواب قسم می آید.

زَيْدٌ وَاللّٰهِ قَائِمٌ

١٢- عن

برای مجاوزت
زمیث الشهم عن القوس

١٣- علی

دارای ٣ معنا

- حسی: زید علی السطح
- استعلاء: علی ألف درهم
- مصاحبت: واتی المال علی حیبه
- تعلیل: زرتک علی أتک کریم (= لا تکت)

نکته: گاهی عن و علی در هنگامی که من بر آن دو داخل شود، اسمند در این صورت

عن به معنای جانب
جلسث من عن یمنه

علی به معنای فوق
نزلت من علی الفرس

١٤- کاف

دارای ٢ معنا

- تشبیه: زید کعمرو
- تأکید: زائده است. لبس کمثله شیء

نکته: گاهی اسم به معنای میل است
یضحکن عن کالبرد المنهم

١٥ و ١٦- مُد و مُنْدُ

دارای ٢ معنا

- ابتدای زمان در زمان گذشته
مثلا در ماه شعبان می گوی: ما رأیته مُد رجب
- ظرفیت در زمان حال
ما رأیته مُد شهرنا (مُد = فی)

١٧ و ١٨ و ١٩- خلا و حاشا و عدا

برای استثنا به کار می روند.
جاتی القوم خلا زید